

عوامل و قلمرو دخالت والدین در زندگی عروس و داماد

مرضیه محمدخانی*

مقدمه

«خانواده»، رکن اساسی در هر جامعه‌ای است و سلامت و رشد این بنیان، در گرو توجه به اموری است که در عمل، به شکوفایی آن بینجامد. بدیهی است که باید جایگاه هر یک از اعضای خانواده به نیکویی شناخته و پاس داشته شود تا نتایج مطلوب از تشکیل این نظام مقدس به دست آید.

یکی از عرصه‌های شایان توجه در این حوزه، بحث قلمرو دخالت والدین در زندگانی عروس و داماد است. در این نوشتار، می‌کوشیم به بررسی عوامل و قلمرو این موضوع بپردازیم و بایدها و نبایدهای آن را ترسیم نماییم.

نقش پدر و مادر در تحکیم بنیاد زناشویی

خانواده عروس و داماد، چنانکه در اصل انتخاب همسر نقش مهمی دارند، در تحکیم بنیاد زناشویی نیز می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند؛ طوری که آنها را می‌توان پشتوانه ازدواج دانست. عروس و داماد در آغاز زندگی، غالباً از آیین

ظریف همسرداری بی‌اطلاع‌اند و چون نآزموده و بی‌تجربه‌اند، غالباً با اختلاف سلیقه و پاره‌ای از مشکلات اخلاقی و اجتماعی مواجه خواهند شد که ممکن است روابط خانواده را تیره کند و اساس آن را در معرض خطر قرار دهد؛ لذا به مشاوره عاقل، باتجربه و خیراندیش نیاز دارند. بهترین افرادی که می‌توانند این نقش مهم را ایفا کنند، خانواده‌عروس و داماد هستند. اگر آنها عاقل و باتدبیر باشند، می‌توانند بزرگ‌ترین خدمت را به این خانواده نوپا انجام دهند و در حل مشکلات، به یاری‌شان بشتابند؛ برای همین وجود خانواده‌فهمیده و خیرخواه، برای عروس و داماد، نعمتی بزرگ است که به هنگام خواستگاری نیز، باید به آن توجه کرد؛ اما یکی از مهم‌ترین دلایل اختلافات زوج‌های جوان، دخالت والدین و اطرافیان، در زندگی زناشویی آنان است.^۱

متأسفانه بعضی از والدین، نه تنها به تحکیم بنیاد ازدواج فرزندان‌شان کمک نمی‌کنند، بلکه به اختلافات و نزاع‌های خانواده جدید دامن می‌زنند و در تیره‌تر ساختن روابط آنها و احیاناً در قطع روابط و جدایی‌شان جدیت می‌نمایند. خانواده‌عروس و داماد، برای جذب و سلطه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در کار آنها دخالت می‌کنند. فرزندان را به بهانه‌جویی و توقعات بی‌جا تشویق می‌نمایند تا عیوب کوچک همسرشان را بزرگ و غیرقابل تحمل جلوه دهند. این پدران و مادران، در قالب دل‌سوزی و خیرخواهی، بزرگ‌ترین خیانت‌ها را در حق فرزندان و همسر او مرتکب می‌شوند.^۲ بسیاری از روان‌شناسان، بخش اعظم اختلافات خانوادگی را در کشور، دخالت‌های غیرمنطقی و غیرکارشناسانه نزدیکان عروس و داماد می‌دانند؛ به‌گونه‌ای که «۵۰ تا ۶۰ درصد طلاق‌ها به

۱. ابراهیم امینی، جوان و انتخاب همسر، ص ۲۵۳.

۲. همو، جوان و همسرگزینی، ص ۲۰۹.

علت دخالت خانواده‌ها اتفاق می‌افتد.»^۱ «اکثر پژوهش‌های انجام شده در ایران درباره طلاق، این حقیقت را منعکس کرده‌اند که دخالت دیگران، مانند اقوام، آشنایان و والدین، موجب شعله‌ور شدن اختلافات زنان و شوهران می‌شود که در بعضی از موارد، به طلاق منجر می‌شود.»^۲

آقای ... می‌نویسد:

«تا حال سه مرتبه مادرزنم ما را تا آستانه طلاق برده، مثل عقرب نیش می‌زند، به دخترش یاد می‌دهد که به من بی‌احترامی کند، به کارهای منزل نرسد و توقعات بی‌جا داشته باشد. هر وقت به خانه ما می‌آید، تا یک هفته منزل ما به جهنم بدل می‌شود؛ برای همین چشم دیدنش را ندارم.»^۳

زن سی‌ساله‌ای به نام ... مادر پنجاه‌ساله‌اش را که باعث جدا شدن او از همسرش شده بود، کتک زد. زن گفت:

«از بس مادرم از شوهرم بد گفت و او را متهم به بی‌اعتنایی به خانواده کرد، با وی اختلاف پیدا کردم و حاضر شدم از او طلاق بگیرم. فوری پشیمان شدم؛ اما پشیمانی سودی نداشت؛ زیرا شوهرم شش ساعت پس از جدا شدن از من، دخترخاله‌اش را نامزد کرد و من از فرط ناراحتی مادرم را کتک زدم.»^۴

برای جلوگیری از این معضل، ضروری است والدین با حیطه‌ها و مرزهای دخالت در زندگی عروس‌ها و دامادها آشنا شوند.

۱. سخنرانی دکتر باجقلی در سومین روز کنگره روان‌درمانی و مشاوره، نقل از

سایت: www.aftabir.com

۲. آسیب‌شناسی خانواده، <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=11039>.

۳. اطلاعات هفتگی، ش ۱۶۴۶.

۴. همان، ش ۱۶۲۸.

عوامل و زمینه‌های دخالت والدین در زندگی عروس و داماد

وقتی صحبت از طلاق به میان می‌آید، ذهن بیشتر افراد به سمت اعتیاد، خیانت و... کشیده می‌شود؛ اما یکی از علل شایع طلاق در کشور ما دخالت خانواده‌ها در زندگی زوج‌های جوان است. «بسیاری از اساتید خانواده‌درمانی، ریشه بیشتر اختلافات خانوادگی در ایران، دخالت‌های غیرمنطقی نزدیکان زوجین است.»^۱

این دخالت‌ها از عوامل متعدد نشأت می‌گیرد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. وابستگی عاطفی

یکی از مشکلات زندگی مشترک، وابستگی زن یا شوهر به خانواده‌اش است که تأثیرش را به‌صورت دخالت‌های خانواده در زندگی نشان می‌دهد. بسیاری از افراد بالغ، فکر می‌کنند بعد از عبور از دوران نوجوانی، شخصیتی مستقل از خانواده دارند؛ اما زمانی که به دلایلی مثل ازدواج از خانواده دور می‌شوند، وابستگی‌های عمیق عاطفی و فکری‌شان بروز پیدا می‌کند؛ حتی «در مواردی ملاحظه می‌شود که والدین و اعضای خانواده هر یک از همسران، علاقه چندانی به مداخله در زندگی فرزندشان ندارند؛ ولی میزان و شدت وابستگی هر یک از زوجین به والدین یا دیگر نزدیکان، در حدی است که خواه ناخواه آنان را وارد حریم زندگی مشترک می‌کنند.»^۲

همسران این نکته را مد نظر داشته باشند «وقتی می‌توانید رابطه زناشویی تان را سالم توصیف کنید که پیوند عاطفی عمیقی بین شما و همسرتان برقرار شده

۱. علی محمد صالحی، پاس‌داشت حریم همسر، ص ۱۰.

۲. جلال یونسی، مدیریت روابط زناشویی، ص ۷۷.

باشد. هر زمان که این ارتباط عاطفی را با افراد دیگری سهیم شوید، آشکارا در یک چرخهٔ بیمارگونه از روابط قرار گرفته‌اید. اگر می‌خواهید این رابطهٔ ناسالم را از بین ببرید، باید به خود و همسران کمک کنید تا از وابستگی‌های شدید به پدر و مادر رها شوید؛ بدون اینکه ذره‌ای در احساس دوست‌داشتن پدر و مادر، خللی وارد شود.^۱

۲. نداشتن مهارت ابراز وجود

یکی از عوامل مهم و زمینه‌ساز دخالت والدین و نزدیکان در زندگی عروس و داماد، نداشتن مهارت کافی در ابراز وجود است. ابراز وجود «توانایی بیان نظرهای خود به صورت روشن، مستقیم و شایسته، ضمن ارج نهادن به دیگران است.»^۲ به بیان دیگر، ابراز وجود حمایت از حق و عقیدهٔ خود است؛ بدون اینکه به حق و عقیدهٔ دیگران تجاوز شود. البته این امر، به معنای قطع رابطه با اطرافیان یا عدم بهره‌گیری از تجربیات و نصایح دیگران نیست.

«گاهی زوجین برای مقابله با دخالت‌های دیگران و برقراری ارتباط صحیح با آنان، از مهارت کافی برخوردار نیستند؛ بنابراین رفتارهایی از خود بروز می‌دهند که راه را برای این مداخلات هموار می‌کنند. محققان، مهارت ابراز وجود را راهی می‌دانند که براساس آن، فرد قادر به بیان حقوق خود است.»^۳ همسرانی که در این زمینه مشکل دارند، نمی‌توانند از حق خود و خواسته‌هایشان، به‌گونه‌ای مناسب دفاع کنند. این افراد، نمی‌توانند «نه» بگویند و

۱. ریحانه دوستدار، «رابطهٔ زنانشویی سالم»، روزنامهٔ اطلاعات، یک‌شنبه ۱۹ شهریور ۱۳۹۱.

۲. ریس شان و رودریک س. گراهام، آموزش ابراز وجود: چگونه همان کسی باشید که واقعاً هستید؟، ص ۷۹.

۳. سعید کاوه، مداخله و مشکل‌آفرینی در زندگی همسران، ص ۵.

در برابر دیگران، «بله‌گو» هستند و به دیگران اجازه می‌دهند به جای آنها صحبت کرده و تصمیم بگیرند.

۳. کمک‌های اقتصادی

کمک‌کردن و یاری‌رساندن والدین به فرزندان، کار پسندیده‌ای است که باعث قوام و تحکیم نهال نوپای زندگی عروس و داماد می‌شود؛ چنانکه برخی والدین چنین کاری می‌کنند؛ اما اگر این کمک‌های اقتصادی با منت همراه شود و زمینه‌های دخالت والدین را در زندگی عروس و داماد فراهم سازد، امری مذموم است؛ زیرا با این کار، زمینه فروپاشی نظام خانواده فرزندان را فراهم می‌کند؛ چه بسا برخی خانواده‌ها، کمک‌های مالی به فرزندان را بهانه‌ای برای دخالت در زندگی آنها قرار می‌دهند و تا زمانی که وابستگی وجود داشته باشد، زمینه دخالت آنان و اثرپذیری فرزندان هم وجود دارد! بنابراین کمک‌های اقتصادی، باید به‌گونه‌ای باید باشد که فرزند به آنان وابسته نشود و بدون چشم‌داشت انجام شود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ؛^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت و آزار باطل نکنید، مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم، انفاق می‌کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد.»

۴. تفاوت فرهنگی

تفاوت فرهنگی، یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز در طلاق‌هاست.^۲ ارزش‌های

۱. بقره: ۲۶۴.

۲. شناسه خبر: ۲۳۷۷۹۴۸، جمعه ۴ مهر ۱۳۹۳: www.mehrnews.com

فردی و اجتماعی، آداب و رسوم، رفتار و سلوک و حتی آداب لباس پوشیدن و غذا خوردن زن و مرد می‌تواند، زمینه‌های همدلی بیشتر را بین آن دو پدید آورد. برای همین، به‌ویژه در کشور گسترده‌ی ما که در قالب یک فرهنگ و جامعه‌ی واحد، از خرده‌فرهنگ‌های متعدد (ترک، کرد، عرب، لر و...) برخوردار است، توجه به این امر در مجموعه‌ی ملاک‌های ازدواج، اهمیت خاصی دارد و همان‌طور که اشاره شد، تفاوت در آنها زمینه‌ساز اختلاف‌هاست.

تفاوت فرهنگی بین همسران، در دو عرصه می‌تواند آسیب‌زا باشد:

الف) تفاوت فرهنگی در خانواده‌های همسران

تفاوت اول، در فرهنگ خانواده‌های همسران است؛ موضوعی که منبع انواع اختلافات و سوءتفاهم‌ها می‌شود و خود را بیشتر در قالب اختلاف نظر در برگزاری مراسم مشترک، برخورد اجتماعی همسران و رعایت قوانین پیدای و پنهان خانوادگی نشان می‌دهد. این موضوع، همواره ناخوش‌آیند بوده و گاه تا پایان عمر، همت همسران صرف تلاش برای کم‌رنگ کردن این تفاوت‌ها و نیز در رابطه‌ی خودشان می‌شود. در این وضعیت، خانواده‌های زن و شوهر زمینه را برای دخالت فراهم می‌بینند و در هر موقعیتی با تفاخر به اصل و نسب و گذشته‌ی خود، سعی می‌کنند عروس یا داماد خویش را سرزنش یا تحقیر کنند.

قرآن در نکوهش این رفتار می‌فرماید:

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْكُونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَ

لَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا»^۱ آیا ندیدی آنهایی را که خودستایی می‌کنند؟

(این خودستایی‌ها ارزش ندارد) بلکه خدا هر کس را که بخواهد

می‌ستاید و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.»

امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید:

«أَفْبِحُ الصَّدْقِ ثَنَاءَ الرَّجُلِ عَلَى نَفْسِهِ؛^۱ زشت‌ترین سخن درست، مدح و ثنای انسان از خویشتن است.»

ب) آسیب میان همسران

دومین تفاوت فرهنگی، ممکن است در خود همسران باشد. در واقع مشکلات در سطح دوم، از مشکلات در سطح تفاوت فرهنگی خانوادگی بسیار عمیق‌تر بوده و خانواده را به راحتی از هم می‌پاشد. مشاوران ازدواج معتقدند در حقیقت اختلاف فرهنگی خانواده‌ها، در صورتی که زوج به یکدیگر علاقه داشته و از نظر فرهنگی شبیه باشند، مهارت‌آموزی آنان در مواجهه با خانواده همسران است؛ ولی اگر مشکل، تفاوت فرهنگی بین خودشان هم باشد، موضوع در بیشتر موارد بی‌نتیجه خواهد ماند؛ چراکه هر کدام از زوج‌ها، اعتقاد دارند مشکل از دیگری است و فرد مقابل باید تغییر کند.

باید گفت اگرچه فرهنگ به تنهایی نمی‌تواند در اختلاف سطح طبقات اثرگذار باشد و نمی‌توان با قاطعیت گفت که افراد از فرهنگ‌های مختلف، نمی‌توانند با هم ازدواج کنند، بی‌تردید تشابه فرهنگی می‌تواند نقش مهمی در موفقیت یک ازدواج داشته باشد و تفاوت فرهنگی، زمینه اختلاف را به وجود می‌آورد و ممکن است والدین هر یک از عروس و داماد، با تصور اینکه عروس یا داماد در شأن همدیگر نیستند، در زندگی آنها دخالت کنند؛ برای همین، دختر و پسر باید تلاش کنند که خانواده‌هایشان از همه لحاظ، به‌ویژه از لحاظ فرهنگی، با هم سنخیت و تناسب داشته باشند تا بهتر بتوانند یکدیگر را درک کنند و نگذارند تفاوت فرهنگی در روابط زن و شوهر اثر بگذارد.

۱. جمال‌الدین خوانساری، شرح بر غررالحکم، ج ۲، ص ۳۸۹.

۵. انتقال تجربه

بعضی از والدین معتقدند که صاحب تجربه‌های فراوان هستند و فرزندانشان باید از این تجارب بهره‌مند شوند؛ از این رو برای خود این حق را قائل‌اند که در زندگی فرزندشان دخالت کنند. البته کسی منکر نیاز همیشگی فرزند به تجربه و راهنمایی والدین نیست؛ اما اگر این رفتار از حد تعادل خارج شود، دیگر راه‌گشا نیست؛ بنابراین شایسته است والدین به فرزندان این فرصت را بدهند تا آنان خود تجربه کسب کنند و اگر بخواهند به ازای هر اشتباه در زندگی فرزندشان ورود کنند، مانع رشد و شکوفایی آنان می‌شوند.

شیوه دخالت والدین

دخالت والدین در زندگی عروس و داماد، نباید جنبه تخریبی داشته باشد؛ در این صورت، باید از دخالت والدین جلوگیری کرد. روان‌شناسان نیز در این موارد، توصیه کرده‌اند که والدین در مشکلات و مسائل فرزند با همسرش، دخالت نکنند؛ اما اگر دخالت‌ها از روی نصیحت، خیرخواهی، امر به معروف و نهی از منکر، مشاوره و راهنمایی یا حکمیت و داوری باشد، عروس و داماد باید از آن استقبال کنند و از این تجربیات و راهنمایی‌ها، به نحو شایسته بهره ببرند.

شیوه‌هایی که والدین می‌توانند در زندگی عروس و داماد ورود کنند، به شرح ذیل است:

۱. مشاوره و راهنمایی

«مشورت و تبادل افکار، یکی از قدیمی‌ترین و ریشه‌دارترین امور در زندگی انسان‌ها بوده است و می‌توان گفت، آن موقع که انسان متوجه شد مغز محدود

یک نفر از عهده‌درک مسائل زندگانی برنمی‌آید، مشورت را اصلی ضروری برای خویشتن انتخاب کرد.»^۱

خداوند در بیان اوصاف مؤمنان، می‌فرماید:

«... وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ؛^۲ آنها کسانی

هستند که کارهایشان با مشورت انجام می‌شود.»

مشاوره یک یا چند عقل دیگر، برای یافتن راه صحیح است. امام علی علیه السلام

می‌فرماید:

«مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا؛^۳ کسی که با دیگران

مشورت می‌کند، در عقل آنها شریک می‌شود.»

مشورت ادراک و هوشیاری دهد عقل‌ها مر عقل را یاری دهد^۴

زوج‌های جوان باید به این نکته توجه داشته باشند که به علت کم‌تجربه

بودن، از برخی قواعد زندگی بی‌اطلاع هستند؛ بنابراین بهتر است برای حل این

مشکلات، با فردی آگاه مشورت کنند. بسیار اتفاق افتاده است، افراد مشکلات

پیش رو را برای خود غیرقابل حل دانسته‌اند؛ اما با مشورت دیگران، به راحتی این

مشکل را حل کرده‌اند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که با صاحبان خرد

مشورت کند، از نور خرد دیگران بهره می‌برد.»^۵

بهترین کسانی که زوج‌های جوان برای حل مشکلات خود به آنها رجوع

می‌کنند و از آنان یاری می‌خواهند، والدین هستند. در این صورت، بر والدین

۱. محمدتقی جعفری، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، ج ۳، ص ۹۱.

۲. شوری: آیه ۳۸.

۳. صحیحی صالح، نهج البلاغه، ص ۵۰۰.

۴. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر سوم، بیت ۱۰۴۳.

۵. همان، ص ۴۴۲.

لازم است با استفاده از آگاهی‌ها و تجربه‌های خویش، فرزندان را در حل مشکلات یاری کنند^۱ و خصوصیات یک فرد راهنما و مشاور را در خود ایجاد نمایند؛ بنابراین شایسته است، والدین در ارائه مشاوره به فرزندان خود، مطالب ذیل را مد نظر داشته باشند:

- آگاهی و پختگی لازم را داشته باشند؛

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«خَيْرُ مَنْ شَاوَرْتَ ذَوُو النَّهْيِ وَالْعِلْمِ وَالتَّجْرِيبَةِ وَالْحَزْمِ؛^۲ بهترین کسی که با او

مشورت کنی، کسی است که صاحب عقل، علم، تجربه‌ها و دوراندیشی باشد.»

- رازدار مشکلات فرزندان باشند؛

- در مشاوره از استبداد رأی بپرهیزند.

تردیدی نیست که والدین و دیگر اطرافیان زوج‌های جوان، خواهان نیک‌بختی و آسایش عروس و داماد هستند و به‌یقین دارای تجاری هستند که هر یک راهنمای زندگی آنان خواهد بود؛ ولی این موضوع مهم را نباید فراموش کنند که اگر این خیرخواهی با عقل و تدبیر کافی و با در نظر گرفتن شرایط زندگی زوج‌های جوان نباشد، به زیان آنان خواهد بود؛ بنابراین انتظار می‌رود، والدین ضمن ارائه دیدگاه‌ها و مشورت‌های خود، استقلال نظر و قدرت تصمیم‌گیری را از آنان سلب نکنند. اگر والدین توانایی حل مشکل فرزندان خود را نداشتند؛ از نظرهای متخصصان استفاده کرده یا آنها را به مراکز تخصصی مشاوره راهنمایی کنند و تا پایان مشکل، در کنارشان باشند.

۱. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقَ مِنَ الْمُسَاوَرَةِ؛ حمایت‌کننده و پشتیبانی قوی‌تر از

مشورت نیست.» (محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، ج ۲، ص ۱۵۲)

۲. جمال‌الدین خوانساری، شرح بر غررالحکم، ج ۳، ص ۴۲۸، ح ۴۹۹۰.

۲. داوری

یکی از اصولی که در حوزه خانواده به آن توجه داده شده، اصل «حکمیت» است. داوری در مواردی است که در روابط خانوادگی، تفاهم جای خود را به شقاق و اختلاف داده است. توصیه قرآن در این مورد، تشکیل «محکمه صلح خانوادگی» است:

«وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا
 إِنَّ يُرِيدَا إِصْلَاحًا^۱ و اگر از جدایی میان آن دو (زن و شوهر) بیم
 دارید، داوری از خانواده آن (شوهر) و داوری از خانواده این
 (زن) تعیین کنید. اگر سر سازگاری دارند، خدا میان آن دو
 سازگاری خواهد داد.»

بنابراین اگر بین زوجین، اختلاف شدت گرفت و زن و مرد سر ناسازگاری داشتند، لازم است والدین و بستگان، برای حل اختلاف آنان، به صورت حکم (داور) به مشکلات آنان رسیدگی کنند.

«انتخاب داور از بستگان زن و مرد، به چند علت اهمیت دارد:

- خویشاوندان زوجین، از وضعیت روانی و شرایط زندگانی آنها آگاه‌ترند؛
- وجود داورهایی از خویشاوندان، مایه دلگرمی آنهاست؛ زیرا اطمینان دارند که از حقوق و منافع آنها حمایت خواهد شد؛ - ملاحظات روابط خویشاوندی، موجب پذیرش نظر داوران از سوی زوجین خواهد شد؛
- خویشاوندان بیش از دیگران، به حمایت دوطرفه پرداخته و سعی بیشتری در تحکیم روابط و اصلاح بین زوجین دارند؛
- خویشاوندان به روش و فنون حل مشکلات زوجین، راه‌های جلب محبت

آنها و نقاط مورد اتکایشان آگاهی بیشتری دارند و بهتر می‌توانند به راز و سبب نفرت و کراهت طرفین پی ببرند؛»^۱

- در صورت رعایت حکمیت و داوری، قداست و حرمت خانواده، بیشتر از مراجعه به دادگاه حفظ می‌شود.

شرایط و وظایف داوران در حل اختلاف زن و شوهر

- «دو حکم باید بالغ، عادل، عاقل و به کار خود بصیر و بینا باشند.»^۲

- «مناسب است دو داور افزون بر خیر و اصلاح، خردمند، بادرایت و دارای همسر باشند، مسائل خانوادگی را به خوبی درک کنند و با بصیرت و خبرگی به قضاوت بنشینند. در مرحله اول، داوران باید برای ریشه‌یابی اختلاف با جدیت پرسش‌هایی را طرح کنند و در خلوت، از هر یک بخواهند تا حقیقت را بیان کنند. زن و شوهر نیز با صراحت و بی‌پرده مسائل را در میان بگذارند.»^۳

- اگر داوران به راه‌حلی نرسیدند، نمی‌توانند بین زن و مرد به جدایی حکم کنند؛ بلکه خود زوجین در این باره تصمیم‌گیری می‌کنند. داوران برای کشف راه حل اختلاف برگزیده می‌شوند و بدیهی است اگر آنها برای اصلاح زن و شوهر به راه‌حلی نرسند، حل مسئله یا جدایی به تصمیم‌گیری خود زن و مرد مربوط است. همچنین داوران نمی‌توانند زوجین را به ادامه زندگی مشترک ملزم کنند و همان‌گونه که در انعقاد پیمان زناشویی، زن و شوهر باید آزادی کامل داشته باشند، در آشتی و پایان اختلاف نیز، باید آزادی کامل داشته باشند.»^۴

۱. علی قایمی، نظام حیات خانواده در اسلام، ص ۳۵۴.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۵.

۳. صادق احسان‌بخش، نقش دین در خانواده، ج ۲، ص ۳۷۱.

۴. احمد بهشتی، خانواده در قرآن، ص ۱۰۶.

۳. امر به معروف و نهی از منکر

یکی از مؤثرترین روش‌هایی که والدین می‌توانند مطالب ضروری و لازم را به زوج‌های جوان انتقال دهند، استفاده از امر به معروف و نهی از منکر است. با نگاهی به زندگانی پیامبران و معصومان علیهم‌السلام، درمی‌یابیم که امر به معروف و نهی از منکر، یکی از مهم‌ترین شیوه‌های هدایت آنان بوده است.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

«إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصَّالِحِينَ؛^۱ یقیناً امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و روش صالحان است.»

فریضه امر به معروف و نهی از منکر، می‌تواند والدین را در هدایت و راهنمایی زوج‌های جوان به سوی زندگی سالم و شایسته یاری کند. به‌کارگیری امر به معروف و نهی از منکر، شاید روشی ساده به نظر برسد؛ ولی درواقع، کاربرد این روش نیازمند رعایت شرایط و آدابی است که عدم توجه به آن، باعث از بین رفتن ساختار خانواده‌های جوان خواهد شد!

مهم‌ترین شرایطی که والدین را در اجرای امر به معروف و نهی از منکر یاری می‌رساند، عبارت‌اند از:

- آگاهی به امور معروف و منکر

- نرم‌خویی و محبت

یکی از شیوه‌های مهم و اثرگذار امر به معروف، نرم‌خویی و محبت است؛ خصلتی که موفقیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مرهون آن بوده است:^۲

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۹۶.

۲. آل‌عمران: آیه ۱۵۹.

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُتِنُوا

مِنْ حَوْلِكَ؛^۱ به سبب رحمت خداست که تو با آنها چنین خوش خوی و مهربان هستی. اگر تندخو و سخت دل بودی، از گرد تو پراکنده می شدند.»

به جز بنای محبت که دائم آباد است خراب می کند ایام هر بنایی را^۲

پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره تأثیر سخن مهربانانه و محبت آمیز می فرماید:

«تَلْوِيحُ زَلَّةٍ الْعَاقِلِ لَهُ أَمْضُ مِنْ عِتَابِهِ؛^۳ لغزش انسان عاقل را با

نهایت کمال، ادب و کنایه تذکر دادن، برای او مؤثرتر از سرزنش است.»

- شیوه عملی

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بیشتر کارها، مثل حفر خندق، ساختن مسجد و برنامه های اجتماعی و فرهنگی، قبل از اینکه دیگران را به این کارها تشویق کنند، خود پیش قدم می شدند.

- احترام به شخصیت عروس و داماد

یکی از روش های صحیح و کارآمد در امر به معروف و نهی از منکر زوج های جوان، به کارگیری روش احترام و تکریم شخصیت است. این شیوه در حقیقت، پشتوانه سلامت بشر و از مهم ترین عوامل رشد شخصیت است. (قرآن کریم در راستای تربیت انسان ها، این شیوه را به کار برده و مقام انسان را در آیات گوناگون ستوده است؛ بلکه او را در بسیاری از آیات به صورت های «یا ایها الذین»، «یا ایها الانسان» و «یا بنی آدم» مخاطب ساخته تا انسان با توجه به

۱. آل عمران، آیه ۱۲۲.

۲. عبرت نایینی.

۳. تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۸۵.

شرافت و جودى خود که لياقت مخاطب بودن را برای خداوند جهان دارد، قدر خویش را دانسته و به استعدادها و قابليت‌های فراوانی که در او به ودیعت نهاده، واقف شده و آن را ارزان از دست ندهد. به‌کارگیری این روش، به‌قدری مؤثر است که تلخ‌ترین دستورالعمل شفابخش در کامشان شیرین می‌شود.^۱

- تذکرات و مواعظ به زوج‌های جوان، باید در خفا و به دور از حضور دیگران صورت پذیرد؛ زیرا ممکن است به شخصیت آنان لطمه وارد شود و امر به معروف و نهی از منکر، نتیجه معکوس داشته باشد.

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ وَعَظَ أَحَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ وَ مَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ سَانَهُ»^۲ هر کس برادر دینی خود را پنهانی نصیحت کند، او را آراسته و اگر آشکارا نصیحتش کند، ارزش او را کاسته است.»

توصیه به والدین

خانواده عروس باید توجه داشته باشند که اگر طالب خیر و سعادت دختر و دامادشان هستند، همواره به دخترشان سفارش کنند که با شوهرش بسازد و به او احترام بگذارد. در زندگی آنها دخالت نکنند و بگذارند با رفتار، اخلاق و خواسته‌های یکدیگر آشنا شوند تا در تنظیم برنامه زندگی و حل مشکلات به تفاهم برسند. به داماد احترام بگذارند، شخصیت او را گرامی بدانند و هرگز به او توهین نکنند. عیب‌جویی و خرده‌گیری نکنند و عیوب کوچک او را بزرگ و غیرقابل تحمل جلوه ندهند. هیچ‌گاه دختر خویش را به توقعات بی‌جا، بلندپروازی و بهانه‌جویی تشویق نکنند.

۱. مهدی موسوی کاشمیری، روش‌های تربیت، ص ۸۰.

۲. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۸۹.

خانواده داماد نیز توجه داشته باشند که عروس آنها با صدها امید و آرزو به خانه شوهر آمده تا در کنار او، زندگی مستقل و آرامی داشته باشد. سعادت و خوشبختی داماد نیز به همین امر بستگی دارد. والدین باید اجازه دهند آنان زندگی مستقلی تشکیل بدهند. در کارشان دخالت نکنند. بگذارند با اخلاق و رفتار یکدیگر آشنا شوند تا در تنظیم برنامه زندگی و حل مشکلات، به تفاهم برسند. به عروس خویش احترام بگذارند تا او هم به آنها احترام بگذارد. درصدد عیب‌جویی و خرده‌گیری نباشند که هیچ‌کس بی‌عیب نیست! عیوب کوچک عروس را بزرگ و غیرقابل تحمل جلوه ندهند.^۱

۱. ابراهیم امینی، جوان و انتخاب همسر، ص ۲۵۴ و ۲۵۵.